



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigation of the event in khaghani poems

M. Rahmani, Hengame Ashouri*, S. Razeghi

Department of Persian Language and Literature, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 27 July 2020
 Reviewed: 07 September 2020
 Revised: 18 SEptemehr 2020
 Accepted: 31 October 2020

KEYWORDS

Khaghani, Pseudo-face, Simile,
 Light feature, Guttierrez table.

*Corresponding Author

✉ h_ashouri@iaui-tnb.ac.ir

☎ (+98 21) 77009801

BACKGROUND AND OBJECTIVES: One of the most important discussions in simile is the pseudo-face discussion, based on which one can notice the innovation or imitation of the artist. The pseudo-face expresses the breadth of the poet's imagination and the indicator of his new mental world. The simile is divided into allegorical aspects in terms of being compound and singular, closeness and nostalgia, real and imaginary, unity and plurality, allegorical and non-allegorical, vulgar and unlikely, research and imaginative, and single and multiple. The pseudo-face is also divided according to grammar. In Khaghani's poems, the aspects of doubts are very diverse. Khaghani has created this diversity by using imaginative aspects. Since in traditional rhetoric the relationship between pseudo-face and two elements of simile is not discussed, in this article, based on Gutli's division, a new classification of pseudo-face is discussed in Khaghani's Divan in order to answer the question of how to use pseudo-face in How is Khaghani's divan related to "similar" and "similar"? Is there a specific pattern for the pseudonym in his divan? Which ultimately leads to the achievement of the purpose of the article or the achievement of Khaghani stylistic features in the use of pseudonyms.

METHODOLOGY: The method of this research is descriptive-analytical.

FINDINGS: Most of Khaghani's similes are imaginary. Although the aspect of Khaghani's suspicions in some verses is imaginative for both "similar" and "similar" elements, but these verses are not very numerous and are not considered as Khaghani's stylistic features; On the other hand, the aspect of suspicions that is real for one of the imaginary elements and real or expected for the other element, is considered as one of the characteristics of Khaghani's style because it has the majority of similes.

CONCLUSION: The face of Khaghani's doubts is in many cases the present face of doubts that gives character to "similar" or "similar" or that is interpreted in relation to similar. In Khaghani's poetry, we seldom come across verses that cannot be found in the form of character, forgiveness and symbolic interpretation. Khaghani has used the employment industry in a different way and has paid more attention to the virtual meanings of the words so that we can consider the use of this feature as one of the features of Khaghani style.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5400](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5400)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
		
10	2	0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی وجه شبه در اشعار خاقانی

مرضیه رحمانی، هنگامه آشوری*، ثریا رازقی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: یکی از مهمترین بحثها در تشبیه، بحث وجه شبه است که بر مبنای آن میتوان متوجه نوآوری یا تقلید هنرمند شد. وجه شبه بیان‌کنندهٔ وسعت تخیل شاعر و نشان‌دهندهٔ جهان ذهنی تازهٔ اوست. تشبیه به اعتبار وجه شبه بلحاظ مرکب و مفرد بودن، قربت و غربت، حقیقی و خیالی بودن، وحدت و تعدد به تشبیه تمثیل و غیرتمثیل، مبتذل و بعید، تحقیقی و تخیلی و واحد و متعدد تقسیم میشود. وجه شبه براساس دستور زبان نیز تقسیم‌بندی شده است. در اشعار خاقانی، وجه شبه‌ها، گوناگونی فراوان دارند. خاقانی با استفاده از وجه شبه‌های تخیلی این گوناگونی را ایجاد کرده است. از آنجاکه در بلاغت سنتی نحوهٔ ارتباط میان وجه شبه با دو رکن تشبیه مورد بحث قرار نگرفته است، در این مقاله براساس تقسیم‌بندی گوتلی به طبقه‌بندی تازه‌ای از وجه شبه در دیوان خاقانی پرداخته میشود تا بتوان به پاسخ این پرسش دست یافت که شیوه‌های کاربرد وجه شبه در دیوان خاقانی در ارتباط با «مشبه» و «مشبه‌به» به چه نحوی است؟ آیا الگوی خاصی برای وجه شبه در دیوان او یافت میشود؟ که در نهایت منجر به رسیدن به هدف مقاله یا همان دستیابی به ویژگیهای سبکی خاقانی در استفاده از وجه شبه میگردد.

روش مطالعه: روش این تحقیق توصیفی - تحلیلی است.

یافته‌ها: اغلب تشبیهات خاقانی خیالی است، اگرچه وجه شبه‌های خاقانی در بعضی ابیات برای هر دو رکن «مشبه» و «مشبه‌به» خیال‌آفرین است اما این ابیات فراوانی چندانی ندارند و جزو ویژگیهای سبکی خاقانی محسوب نمیشود؛ در عوض وجه شبه‌هایی که برای یکی از ارکان خیالی و برای رکن دیگر حقیقی یا موردانتظار باشد، بعلا اینکه اکثریت تشبیهات را به خود اختصاص داده است، جزو ویژگی سبکی خاقانی محسوب میشود.

نتیجه‌گیری: وجه شبه‌های خاقانی در بسیاری موارد، وجه شبه‌های فعلی است که به «مشبه» یا «مشبه‌به» شخصیت میبخشد و یا آنکه در رابطه با مشبه تفسیر رمزی پیدا میکند. در شعر خاقانی بندرت به ابیاتی برمیخوریم که در صورت شخصیت‌بخشی و تأویل رمزی نیز نتوان وجه شبه را یافت. خاقانی از صنعت استفاده به شیوهٔ متفاوت بهره‌گیری کرده و توجه بیشتری به معانی مجازی کلمات داشته است بگونه‌ای که میتوانیم استفاده از این ویژگی را از ویژگیهای سبکی خاقانی بشمار آوریم.

تاریخ دریافت: ۰۶ مرداد ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۱۷ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۲۸ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۰ آبان ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

خاقانی، وجه شبه، تشبیه، ویژگی سبکی، جدول گوتلی.

* نویسنده مسئول:

h_ashouri@iau-tnb.ac.ir

۷۷۰۰۹۸۰۱ (۹۸ ۲۱) +

مقدمه

در تشبیه آنچه بیشتر از مشبه و مشبیه، میزان تخیل و جهان‌بینی شاعر را مشخص میکند وجه شبه است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از تقسیم‌بندیهای تشبیه به اعتبار وجه شبه، تقسیم آن به دو دسته تمثیل و غیرتمثیل است؛ تشبیه تمثیل که وجه شبه در آن مرکب است و از امور متعدد منتزع میشود و تشبیه غیرتمثیل که وجه شبه در آن مفرد است (المطول، تفتازانی: ص ۱۴۸). از دیدگاه جرجانی در تشبیه غیرتمثیل همانندی در شکل، رنگ و هیأت است؛ در تشبیه تمثیل وجه شبه نیازمند تأویل است و تمام تشبیهات معقول به محسوس را دربرمیگیرد. مثال او در این مورد تشبیه سخن به عسل در شیرینی است (اسرارالبلاغه، جرجانی: ص ۵۲-۵۰).

ابودیب معتقد است که در تشبیه، کانون توجه شباهت بین «الف» و «ب» است و «ب» فقط تا جایی مهم است که به الف مربوط باشد؛ اما در تمثیل خود «ب» با توجه به روابط موجود بین واحدهای آن از اهمیتی خاص برخوردار است. پس تمثیل دربرگیرنده فعالیت تخیلی پیچیده‌تری است تا فعالیتی که در تشبیه دخیل است (تحقیق در صور خیال جرجانی، ابودیب: ص ۱۳۸).

وجه شبه از دو نظر حسی و عقلی نیز قابل بررسی است. وجه شبه حسی برخلاف وجه شبه عقلی با یکی از حواس پنجگانه قابل درک است؛ این تقسیم‌بندی در *اسرارالبلاغه* آمده است. اما در بلاغت سنتی، سخن از ترکیبی از وجه شبه حسی و عقلی با هم بمیان نیامده است؛ درحالیکه بروک رز در کتاب خود در مورد این تشبیهات بحث میکند.

تشبیهات حقیقی و خیالی هم دارای تعاریف زیر است: تشبیه حقیقی که وجه شبه در طرفین تشبیه واقعی است و تشبیه خیالی که وجه شبه در طرفین تشبیه یا در یکی از آن دو، خیالی و ادعایی است (اسرارالبلاغه، جرجانی: ص ۴۶-۵۵).

در دیوان خاقانی اگرچه تشبیهات حسی در مقایسه با تشبیهات عقلی و خیالی فراوانی بیشتری دارند، اما تعداد تشبیهات عقلی و خیالی نیز بسیار قابل توجه است و درصد زیادی از تشبیهات، را به خود اختصاص داده است. با توجه به اینکه در تقسیم‌بندیهای سنتی در مورد ارکان تشبیه کاستیهایی وجود دارد که بی‌شک امکان تعیین دقیق و درست سبک تصویرسازی شاعران را سلب میکند، بعنوان نمونه در گذشته در تقسیم‌بندی وجه شبه فقط دو نوع خیالی و حقیقی مدنظر قرار میگرفت؛ در صورتی که ما باید بدانیم که هر شاعر از چه صورت خیالی در رابطه با مشبه یا مشبیه بهره میگیرد. از دیدگاه سنتی تقسیم‌بندی از نحوه ارتباط وجه شبه با مشبه و مشبیه ارائه نشده است.

اولین بار گوتلی، استاد گروه آموزشی لینگنان انگلستان (۱۹۹۸) که علاقه اصلی مطالعاتی او در زمینه استعاره شامل تحلیل انتقادی استعاره، ویژگیهای سبکی زبان ادبی، تحلیل گفتمان انتقادی از جمله زبانشناسی بومی و زبان طنز است، اقدام به ایجاد جدولی کرد و در آن به نحوه ارتباط وجه شبه با مشبه و مشبیه توجه کرد. همانطور که اشاره کردیم از دیدگاه سنتی تقسیم‌بندی در این مورد ارائه نشده بود. با کاربرد این جدول میتوان دانست که شاعر از چه صورت خیالی در رابطه با «مشبه» و «مشبیه» بهره میگیرد و میتوانیم سبک تصویرسازی شاعر را مشخص کنیم و تفاوت تصویرسازی او را از سایر شاعران بازشناسیم. این جدول در کتاب *زبان/استعاره* او موجود است. با بهره‌گیری از این جدول میتوان به بررسی بهتر و علمیت‌تری درباره تشبیه در دیوان شاعران پرداخت. این جدول در صفحات ۷ و ۹ مقاله قابل مشاهده است. اکنون به ذکر توضیحاتی در مورد حروف بکاررفته در نامگذاری ردیف و ستونهای جدول گوتلی میپردازیم.

وجه شبه در ارتباط با مشبه دارای چهار صورت ضروری، مورد انتظار، خیالی (تشخیص یا رمز) و غیرممکن است که به ترتیب با حروف C, B, A و D در ردیف‌های افقی نامگذاری شده است و وجه شبه در ارتباط با مشبه‌به دارای همین چهار صورت است که به ترتیب با حروف Z, Y, X, W در ستون‌ها نامگذاری شده است. تشبیهات این ردیف‌ها و ستون‌ها به ترتیب دارای صورتهای حقیقی، حقیقی تحت شرایطی، سمبولیک و سورئالیستیند. درمورد اعداد جدول نکات زیر دارای اهمیت است:

اگر خانه‌های ۶ و ۵، ۲ و ۱ در رابطه وجه شبه با «مشبه» و «مشبه‌به» پر شود، غالب تشبیهات در شعر کلاسیک را تشکیل می‌دهد؛ چنانچه خانه‌های ۳، ۷، ۹، ۱۰ و ۱۱ پر شود، غالب این تشبیهات در شعر شاعران رمانتیک و سمبولیک مشاهده می‌شود، زیرا حداقل یکی از ارکان تشبیه با وجه شبه صورتی خیالی (تشخیص یا رمز) پیدا میکند. اگر خانه‌های ۴، ۸، ۱۲ تا ۱۶ پر شود، این تشبیهات در شعرهایی با تصویرهای سورئالیستی مشاهده می‌شود و بیانگر غیرممکن بودن وجه شبه در ارتباط با مشبه، مشبه‌به و یا هر دو رکن است (حداقل یک سوی تشبیه در رابطه با وجه شبه حتی قابل تفسیر از طریق رمز یا اسناد مجازی نیست). همچنین بروکرز^۱ بحثهای دقیقتری راجع به نحوه ارتباط افعال و ترکیبهای تشبیهی ارائه می‌دهد. با استفاده از الگوهای او میتوان بررسی بهتر و علمیت‌تری درباره تشبیه در دیوان خاقانی انجام داد و در نهایت گامی برای یافتن سبک شعری او برداشت.

پرسشهای مقاله به قرار زیر است:

شیوه‌های کاربرد وجه شبه در دیوان خاقانی در ارتباط با «مشبه» و «مشبه‌به» به چه نحوایی است؟ آیا الگوی خاصی برای وجه شبه در دیوان خاقانی یافت میشود؟ در این مقاله بررسی و تحلیل ساختار تشبیه با رویکرد زبان‌شناسی صورت گرفته است. طبقه‌بندی تشبیهات خاقانی در این تحقیق مطابق سه الگوی زیر است:

(۱) روش جرجانی (کتاب اسرارالبلاغه)

(۲) رویکرد بروکرز در طبقه‌بندی دستوری تشبیه و استعاره (کتاب دستور زبان / استعاره)

(۳) شیوه‌های گوتلی در تحلیل وجه شبه (کتاب استعاره).

سابقه پژوهش

تحقیقات زیادی تاکنون در دیوان خاقانی درباره تشبیه و ارکان آن بویژه وجه شبه صورت گرفته اما در تحقیقات پیشین از رویکرد زبان‌شناسی مورد استفاده در این تحقیق بهره گرفته نشده است. این پژوهش کار جدیدی در این زمینه ارائه می‌دهد. تعدادی از نمونه‌هایی که نزدیک به این موضوع کار شده به شرح زیر است:

در مقاله «بررسی تشبیه در دیوان اشعار خاقانی» از شفق (۱۳۸۸) آمده است که خاقانی بعلت وارد کردن تشبیهات بدیع در زمینه سیر تحول تشبیه سرآمد شعری تمامی ادوار ادبی بوده است.

مقاله «تشبیه و مواد تصاویر آن» از محمدزاده داغمه‌چی (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیده است که نوع استفاده خاقانی از مواد و عناصر تشکیل‌دهنده مشبه و مشبه‌به در تصاویر تشبیهی بعلت نگاه او به مشبه‌به و وجه شبهی که در آن می‌یابد، متفاوت است.

^۱ - Brook Rose

بسم (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی وجه شبه در اشعار سهراب سپهری» آورده است که استفاده از صورتهای خیالی میتواند به مشبه، مشبه‌به یا بصورت هنریتر به هر دو رکن تجسم بخشد. سپهری در نمونه‌هایی از وجه شبه‌های خیالی با اساس قرار دادن صفات انسانی، رنگ رمانتیسم به اشعار خود داده است.

بحث و بررسی

نحوه ارتباط وجه شبه با «مشبه» و «مشبه‌به» در جدول گوتلی

در جدول گوتلی سه حالت کلی در ارتباط میان وجه شبه با «مشبه» و «مشبه‌به» ذکر میشود:^۱
 «ضروری بودن وجه شبه در ارتباط با هریک از طرفین تشبیه، مانند: روشنی برای خورشید در تشبیه صورت به خورشید؛ مورد انتظار بودن وجه شبه، مانند: میوه داشتن برای درخت در تشبیه انسان به درخت؛ و محتمل بودن وجه شبه، مانند برهنه بودن برای مکان سرودخوانی در تشبیه شاخه‌ها به آن» (The language of metaphor, Goatly: P230-231)

و در این مقاله محتمل بودن را به خیالی بودن تأویل میکنیم.

رابطه وجه شبه با «مشبه‌به»			رابطه وجه شبه با «مشبه»	
Z	Y	X		
محتمل	موردانتظار	ضروری		
۳	۲	۱	ضروری	A
۶	۵	۴	موردانتظار	B
۹	۸	۷	محتمل (خیالی)	C

اگرچه وجه شبه‌های خاقانی در بعضی ابیات برای هر دو رکن (مشبه و مشبه‌به) خیال آفرین است، این ابیات فراوانی چندانی ندارند و جزو ویژگیهای سبکی خاقانی محسوب نمیشوند، اما وجه شبه‌هایی که برای یکی از ارکان خیالی و برای رکن دیگر حقیقی یا مورد انتظار باشد، بعلا اینکه اکثریت تشبیهات را به خود اختصاص داده، جزو ویژگی سبکی خاقانی بحساب می‌آیند. برای نشان دادن این رابطه از جدول گوتلی و خانه‌های آن بهره گرفتیم. وجه شبه‌های خاقانی در بسیاری موارد، وجه شبه‌های فعلی است که به مشبه یا مشبه‌به شخصیت میبخشد و یا آنکه در رابطه با مشبه تفسیر رمزی پیدا میکند. اکنون با آوردن مثالهایی از دیوان خاقانی، این سه نوع رابطه را نشان میدهیم: در تشبیه «انسان به چراغ» رابطه وجه شبه را با «مشبه‌به» بررسی میکنیم:

(۱) روشن بودن و نوربخشی (ضروری)؛

(۲) سوزاندگی (موردانتظار)؛

(۳) زبان آتشین داشتن و دل‌سیاه بودن (خیالی)؛

در تشبیه «شاعر یا ممدوح به آفتاب» رابطه وجه شبه را با «مشبه» بررسی میکنیم:

(۱) بسوی خاک آمدن (ضروری)؛

^۱ - پیش از این در بررسی وجه شبه در غزلیات دیوان شمس مقاله‌ای نوشته شده است (نک: پورنامداریان و ماحوزی، ۱۳۸۷) ما نیز در این مقاله از همان سبک و الگو بهره‌مند بوده‌ایم.

۲) هر سو پیکان آتش افشان افکندن (موردانتظار)؛

۳) آبستنی دادن به آب و گل (خیالی)؛

در روابط نشان داده شده بالا، در مورد رابطه خیالی وجه شبه با «مشبه» و «مشبه-به» این دو بیت را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

آتشین داری زبان زان دل سیاهی چون چراغ گرد خود گردی از آن تردامنی چون آسیا

(شرح دیوان خاقانی، برزگر خالقی، ج ۱: ص ۳۳)

نه باد گیسوی او ز آتش بهارکم است که آب و گل را آبستنی دهد ز نما

(همان: ص ۱۶۷)

در مثالهای بالا تصاویر خیالی وجه شبه با شخصیت بخشی و یا تأویل رمزی قابل اسناد به «مشبه-به» یا «مشبه» است: زبان آتشین داشتن و دل سیاه بودن در صورت تأویل رمزی زبان و دل که استعاره از فتیله و مخزن چراغ است، محتمل است و آبستنی دادن به آب و گل برای ممدوح با تفسیر آب و گل که کنایه از انسان ایجادشده از خمیر آب و گل است و همچنین آبستنی دادن به انسان با تفسیر کنایه رشد و تکامل دادن به انسان محتمل است.

تصاویر محتمل را نیز همان وجه شبه‌های خیالی در نظر می‌گیریم که میتوانند با «مشبه» یا «مشبه-به» صورتی خیال‌انگیز (استعاره یا رمزی) بسازند.

در شعر خاقانی بندرت به ابیاتی برمیخوریم که در صورت شخصیت‌بخشی و تأویل رمزی نیز نتوان وجه شبه را دریافت. با افزودن ستون دیگر به جدول گوتلی غیرممکن بودن وجه شبه برای «مشبه» و «مشبه-به» نیز بیان میشود. با افزوده شدن این ستون تفاوتی میان تشبیهات سطر C که دارای صورتی سمبولیکند با تشبیهات سطر D که دارای تصویر سورئالیستیند قائل میشویم.

رابطه وجه شبه با مشبه‌به					
Z	Y	X	W		
غیرممکن	خیالی {تشخیص/رمز}	موردانتظار	ضروری	رابطه وجه شبه با مشبه	
۴	۳	۲	۱	ضروری	A
۸	۷	۶	۵	موردانتظار	B
۱۲	۱۱	۱۰	۹	خیالی {تشخیص/رمز}	C
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	غیرممکن	D

اکنون با توجه به این جدول میتوانیم بطور دقیقتری تفاوت میان تصویرسازی خاقانی و سایر شاعران را بدانیم و ویژگی سبکی او را بررسی کنیم. حال به بررسی انواع تشبیهات خاقانی از نظر حقیقی یا خیالی بودن با توجه به جدول بالا می‌پردازیم:

زآنکه چون نحل این بنا را خود مهندس بود شاه آب چون آینه شانه انگبین گشت از صفا

(همان: ص ۱۳۲)

تشبیه «آب به آینه»؛ وجه شبه: صفا و درخشندگی. وجه شبه برای آب و آینه هر دو ضروری است؛ پس تشبیه در خانه ۱ جدول قرار میگیرد.

حلق رباب بسته طناب است اسیروار کز درد حلق ناله بر اعضا برافکند
(همان: ص ۵۶۷)

تشبیه (حلق رباب به اسیر)؛ وجه شبه: با طناب بسته بودن و ناله بر اعضا برآوردن. وجه شبه برای «مشبه-به» موردانتظار است (تشبیه در خانه ۱۰ قرار میگیرد).

تو را چو شمع زتن هر زمان سری روید سری که درد سرآرد بریدن است دوا
(همان: ص ۸۵)

تشبیه «انسان عامه به شمع» وجه شبه: هر زمان سری یافتن. وجه شبه برای انسان عامه «مشبه» خیالی است که کنایه از غرور داشتن است؛ وجه شبه برای «مشبه-به» یا شمع هم خیالی است؛ برای شمع سر استعاره از نوک نخ آن است که هر بار با قیچی بریده میشود (تشبیه در خانه ۱۱ قرار میگیرد).

در دیوان خاقانی تشبیهات بندرت در خانه‌های ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶ قرار میگیرد و از این جهت نمیتوان این گروه تشبیهات را جزو ویژگیهای تشبیهی او دانست. در اشعار خاقانی بیشترین ابیات مربوط به ابیاتی است که وجه شبه فقط با یکی از دو رکن «مشبه» و یا «مشبه-به»، صورتی خیالی میپذیرد و بنابراین خانه‌های ۳، ۷، ۹ و ۱۰ را پر میکند. ویژه‌ترین تشبیهات او این دسته تشبیهات است:

بر سوگ آفتاب وفا زین پس ابروار پوشم سیاه و بانگ معزاً برآورم
(همان، ج ۲: ص ۱۰۵۴)

تشبیه «انسان عامه به ابر»، وجه شبه: سیاه پوشیدن و بانگ معزاً برآوردن. وجه شبه سیاه پوشیدن و بانگ عزرا برآوردن برای ابر که در اینجا مشبه-به است توأم با شخصیت‌بخشی است و برای شاعر که در بیت مشبه واقع شده است حقیقی است (تشبیه در خانه ۳ قرار میگیرد).

چون آفتاب هر سو پیکان آتش‌افشان جوزای شاه یعنی دست سخاسگالش
(همان: ص ۹۸۸)

تشبیه «دست سخاوتمند شاه به آفتاب»، وجه شبه: پیکان آتش افشان هر سو افکندن. وجه شبه پیکان آتش افشان به هر سو انداختن برای «مشبه» که همان دست سخاوتمند شاه است، موردانتظار است؛ در وجه شبه، برای «مشبه-به» که در این بیت آفتاب است، پیکان استعاره از اشعه‌های خورشید است و با توجه به این مطالب وجه شبه خیالی است و تشبیه در خانه ۷ قرار میگیرد.

بروک رز، دربارهٔ چگونگی ارتباط فعل و ترکیب، تشبیهی به بحث میپردازد که در اینجا این بحث را با تشبیهات مفصل دیوان خاقانی که وجه شبه فعلی دارند تطبیق میدهیم. رابطهٔ وجه شبه فعلی را با دو رکن تشبیه میتوان به سه گروه تقسیم کرد:

۱) رابطه‌ای که در آن فعل فقط با «مشبه» استعاره بسازد و نه با «مشبه-به» میتواند مشبه را بصورت تمثیلی موزج^۱ درآورد.^۱ (Brook, 1965: 260)

^۱-Brief Allegory

که این گروه در جدول گوتلی سطر C و D را به خود اختصاص می‌دهد. چنانچه در بیت مشاهده میکنیم:
در آرزوی روی تو هر صبحدم چو من رخسار زرد خیزد از بستر آفتاب
(همان: ۳۱۳/۱)

از بستر زرد رخسار برخاستن برای آفتاب استعاری است؛ درحالی‌که برای مشبه بیت که خاقانی است، حقیقی است؛ مطابق با ستون ۹ جدول. ازاینرو کارکرد این دو بصورت تمثیلی حال عاشق و معشوق را نشان میدهد.
(۱) فعل تنها با «مشبه‌به» استعاره می‌سازد. این دسته با ستون Z و Y جدول مطابقت دارد.

لب خویش از پی نان چون پرنان بوسه زن بر در سلطان چه کنم
(همان، ج ۲: ص ۱۰۹۴)

بوسه زدن برای پرنان^۲ استعاری است و برای سلطان قابل انتظار و محتمل است (مطابق با خانه ۷ جدول).
خاقانی در تشبیهات تفضیل نیز گاهی از این شیوه بهره می‌گیرد.

لاف دینداری زنم چون صبح آخر ظاهر است کاندراين دعوی ز صبح اولین کاذبترم
(همان، ج ۲: ص ۱۰۷۸)

(۲) فعل با هر دو سوی تشبیه، استعاره ایجاد میکند.

این گروه در جدول با خانه‌های ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶ مطابقت دارد. این دسته در دیوان خاقانی کاربرد فراوان ندارد و به علت ندردت بهره‌گیری خاقانی از آن در شعر، جزء اختصاصات سبکی او بشمار نمی‌آید.

عقل و جان، چون ی و سین بر در یاسین خفتند تن چو نون کز قلمش دور کنی تا بینند
(همان، ج ۱: ص ۴۳۳)

خفتن بر در یاسین برای عقل و جان وی و سین با شخصیت‌بخشی همراه است (تشبیه در خانه ۱۱ قرار می‌گیرد). این نوع، از نظر بروک رز مؤثرترین نوع تصویرسازی است.

(Grammar of metaphor, Brook Rose: P.264)

کابرذ تشخیص شعر خاقانی را بسوی تصاویر رمانتیک میبرد که در آن احساس انسانی به طبیعت بخشیده میشود.

می چون شفق صفرا زده، مستان چو شب سودا زده آتش در این خضرا زده دستی که حمرا داشته
(شرح دیوان خاقانی، بزرگر خالقی، ج ۳: ص ۱۶۴۳)

صفرآزدگی و سودازدگی می و شفق و شب به آنها احساس انسانی بخشیده است.

آسمان وار از خجالت سرفکنده بر زمین آفتاب آسا بسوی خاک غلطان آمده
(همان: ص ۱۶۴۳)

خاقانی مانند آسمان خمیده و سرافکنده است و مانند آفتاب بسوی خاک تربت پیامبر غلطان است. سرافکنندگی به آسمان احساس انسانی بخشیده است. اکنون به بررسی رابطه وجه شبه با «مشبه» و «مشبه‌به» در انواع تشبیهات از نظر معقول و محسوس بودن می‌پردازیم.

۱ - در این قسمت از ترجمه‌ای که توسط پورنامداریان همکاران در مقاله بررسی وجه شبه در غزلیات شمس انجام شده است، استفاده کردیم (ر.ک. تقی پورنامداریان ۱۳۸۷).

۲ - ظاهراً باید پری باشد که قبل از پختن نان بوسیله آن روی خمیر نان نقش و نگار می‌زدند و این لغت در فرهنگهای فارسی یافت نشد» (شرح دیوان خاقانی، بزرگر خالقی، ج ۲: ص ۱۱۰۰).

رابطه وجه شبه با «مشبه» و «مشبه-به»

تشبیهات معقول به محسوس

هنگامیکه مشبه-به، محسوس و مشبه معقول و انتزاعی است، بیشتر با شخصیت بخشی به امر انتزاعی مواجه می‌شویم و در این موارد مشبه-به کمتر بصورت تشخیص یا استعاره ظاهر می‌شود.

لا حاجبی است بر در الا شده مقیم کو ابلهان باطله را میزند قفا

(همان، ج ۱: ص ۴۵)

با عقل پای کوب که پیری است ژنده پوش بر فقر دست کش که عروسی است خوش لقا

(همان: ص ۱۰۵)

در بیت نخست، لا به حاجب تشبیه می‌شود، وجه شبه مقیم شدن بر در است که بطور قطع به لا شخصیت می‌بخشد. این وجه شبه در رابطه با «مشبه-به» یعنی حاجب ضروری است (تشبیه در خانه ۹ قرار می‌گیرد). در بیت دوم عقل به پیر تشبیه می‌شود و وجه شبه لباس کهنه پوشیدن است و همچنین فقر به عروس تشبیه می‌شود و وجه شبه خوش لقا بودن است که این وجه شبه‌ها به عقل و فقر شخصیت می‌بخشد. این وجه شبه‌ها در رابطه با «مشبه-به» قابل انتظار است. (تشبیه در خانه ۱۰ قرار می‌گیرد).

تشبیهات محسوس به محسوس

در این تشبیهات رابطه وجه شبه با «مشبه» و «مشبه-به» را میتوان به گروههای زیر تقسیم کرد:

شخصیت بخشی به «مشبه-به»

در این گروه، وجه شبه با «مشبه» رابطه ضروری یا مورد انتظار دارد و با «مشبه-به» رابطه خیالی از طریق شخصیت بخشی ایجاد میکند. این دسته ردیف ۳ و ۷ جدول را پر میکند و فراوانترین تشبیهات را در دیوان خاقانی به خود اختصاص میدهد:

هر دو از هیبت و هبت به دو وقت همچو گل خاضع و چو مل جبار

(همان: ص ۸۶۲)

احرام که گیری چو قدح گیر که دارد عریانی بیرون و درون لعل قبایی

(همان، جلد ۳: ص ۱۹۴۴)

گاهی سپیدپوش چو آب است و همچو آب شوریده مسلسل و فارغ ز هر حطام

(همان، ج ۲: ص ۱۳۱۳)

در مثالهای بالا: در بیت نخست خاقانی ممدوحها را به گل و مل تشبیه میکند و وجه شبه‌های خاضع و جبار بودن با شخصیت بخشی به گل و مل همراه است و برای ممدوحها یا همان مشبه‌ها، ضروری است پس هر تشبیه در خانه ۳ جدول قرار می‌گیرد. همچنین است احرام گرفتن برای قدح، سپیدپوش بودن برای آب.

این شخصیت بخشی گاهی در تشبیهات تفضیل نیز خود را نشان میدهد:

زبونتر از مه سی روزه‌ام، مهی سی روز مرا به طنز چو خورشید خواند آن جوزا

(همان، ج ۱: ص ۱۹۲)

در این گروه از تشبیهات گاهی وجه شبه از «مشبه» اخذ میشود، شاعر حسن درونی خود را به محیط بیرون میبخشد، در واقع آنچه به «مشبه‌به» شخصیت میدهد در مواردی، حالت مشبه را نمایش میدهد نه عمل طبیعی «مشبه‌به» را و این باعث برتری تصویرسازی میگردد. برای این گروه بیت‌های زیر را بعنوان نمونه آورده‌ایم:

نه به یاران کمر بندم چو غنچه نه بر خصمان سنان سازم چو سوسن
(همان، ج ۳: ص ۱۴۰۷)

گه در سجود باش چو در مغرب آفتاب گه در رکوع باش چو در مرکز آسمان
(همان، ج ۳: ص ۱۳۶۱)

در یرقان چو نرگسی در خفقان چو لاله‌ای نرگس چاک‌جامه‌ای ناله خاک بستری
(همان: ص ۱۸۸۶)

کمر بستن و سنان ساختن در سجود و رکوع بودن، یرقان و خفقان داشتن، ویژگی‌های شاعر و انسان عامه است که به آفتاب، آسمان، نرگس و لاله نسبت داده میشود.

ایجاد رمز یا نشانه در «مشبه»

در دسته‌ای از تشبیهات وجه شبه برای «مشبه» جنبه خیالی دارد و برای «مشبه‌به» مورد انتظار یا ضروری است. در این گروه ممدوح (معشوق) یا عاشق به امری محسوس تشبیه میشود. این تشبیهات ردیف C جدول را پر میکند و به تصویر شکل تمثیلی میدهد:

چو خورشید و چو ایمان شو که ویرانها کنی روشن برهنه خلع‌ها میبخش اگر خورشید و ایمانی
(همان، جلد ۳: ص ۱۸۴۹)

در این تصویر روشن کردن ویرانها برای خورشید در معنای حقیقی خود بکار میرود اما روشن کردن ویرانها، برای مخاطب شاعر یا «مشبه» که همان انسان عامه است، جنبه رمزی دارد و باید تأویل شود. (تشبیه در خانه ۹ قرار میگیرد).

نشگفت اگر چو آهوی چین مشک برده‌م چون سر به خورد سنبل و سوسن درآورم
(همان، ج ۲، ص ۱۰۳۳)

در این تصویر سنبل و سوسن برای آهوی چین، معنای حقیقی دارد و خوردن آنها و تبدیل آنها به مشک در بدن آهو معنای واقعی دارد، اما برای مشبه، سر به خورد سنبل و سوسن درآوردن بدلیل رمزی بودن سنبل و سوسن صورت خیالی میگیرد. برای درک مفهوم آن، نیاز به تأویل است (تشبیه در خانه ۹ قرار میگیرد).

شخصیت‌بخشی به «مشبه» محسوس

در این گروه، به «مشبه» که امری محسوس است شخصیت داده میشود. این دسته از تشبیهات در دیوان خاقانی از فراوانی قابل ملاحظه‌ای برخوردارند.

شب عربی‌وار بود بسته نقاب بنفش از چه سبب چون عرب نیزه کشید آفتاب
(همان: ص ۲۳۹)

شب به انسان عرب مانند شده که نقاب بنفش به صورت بسته است و آفتاب هم مانند انسان عرب نیزه کشیده است. به شب با استفاده از فعل نقاب بستن شخصیت بخشیده شده، حال آنکه نقاب بنفش بستن برای عرب قابل انتظار است (تشبیه در خانه ۱۰ قرار میگیرد).

چنگ است پای بسته، سرافکنده، خشک تن
چو زرقی^۱ که گوشت ز احشا برافکند
(همان: ص ۵۶۶)

چنگ به زرق تشبیه شده است که پای بسته، سرافکنده و خشک تن بودن از صفات اوست. به سه صورت در مورد چنگ، جان بخشی صورت گرفته است. حال آنکه پای بسته بودن، سرافکنده و خشک تن بودن برای زرق قابل انتظار است. (تشبیه در خانه ۱۰ قرار میگیرد).

غیرممکن بودن وجه شبه

تشبیهاتی که در آن وجه شبه برای «مشبه» و «مشبه به» غیرممکن است در دیوان خاقانی بندرت یافت میشود. آنجا که ستونهای D یا Z پر میشود، تشبیه به سمت اینگونه تصویرها که تصویرهای سورئالیستیند میرود، هرچند ساختار تشبیهی وجود نداشته باشد. خانه‌های ۴، ۸، و (۱۲ تا ۱۶) تشبیهاتی است که حداقل یک طرف آن در رابطه با وجه شبه قابل تغییر از طریق رمز یا اسناد مجازی نیست.

چرخ بدوزد چو تیر، صبح بسوزد چو مهر
رمح تو گاه طعان، تیغ تو گاه ضراب
(همان: ص ۲۵۷)

در اینجا رمح (نیزه) ممدوح به تیر تشبیه میشود که میتواند آسمان را بدوزد و تیغ ممدوح به خورشید (مهر) تشبیه میشود که میتواند باعث ایجاد گرما و سوزاندگی صبح شود. وجه شبه (سوزاندن صبح) برای خورشید حقیقی و ضروری است، اما برای نیزه ممدوح غیرممکن است که باعث سوزاندگی و ایجاد گرمای فوق العاده در صبح شود پس این تصویر صورت سورئالیستی به خود میگیرد (تشبیه در خانه ۱۵ قرار میگیرد).

رخش همام گفت که ما باد صرصریم
مفلوج گشته کوه، ز زور و توان ماست
(همان: ص ۳۷۲)

در بیت (مفلوج کردن کوه) وجه شبه است، با توجه به تلمیح، باد صرصر توان نابودی کوه را هم داشته است اما مفلوج کردن کوه برای رخس همام (ممدوح)، غیرممکن است این تصویر صورتی سورئالیستی به خود میگیرد (تشبیه در خانه ۱۵ قرار میگیرد).

تشبیهات محسوس به معقول

در این تشبیهات، در بیشتر موارد به امر انتزاعی تجسم بخشیده میشود، در این گروه شاعر خود یا ممدوح را به امر انتزاعی تشبیه میکند.

نه آن کسم که در این دامگاه دیو و ستور
چو عقل مختصران تخم جادویی کارم
(همان، ج ۲: ص ۱۲۴۳)

^۱ - باز سپید، جره (لغتنامه دهخدا)

در بیت شاعر خود را به عقل مختصران تشبیه میکند که وجه شبه این تشبیه تخم جادویی کاشتن است که به مشبه-به شخصیت میبخشد.

طیرانست چو دور فکرت من بر از این نه مقرنس دوار
(همان: ص ۸۶۱)

در بیت استعاره مکنیه وجود دارد، و شاعر از این طریق مخاطب خود را به مرغی تشبیه میکند که قدرت پریدن دارد، سپس پرواز این مرغ را به پرواز فکر خود تشبیه میکند. چنانچه پرواز مرغ وجود انسان باید مانند پرواز فکرت و اندیشه شاعر بالاتر از نه فلک باشد در اینجا از طریق کاربرد وجه شبه پرواز کردن به فکرت شخصیت بخشیده شده است.

صنعت استخدام

«گاهی وجه شبه در ارتباط با مشبه یک معنی و در ارتباط با مشبه-به معنی دیگری دارد و یک بار حسی و بار دیگر عقلی است. در این صورت کلام بسیار زیبا و هنری خواهد بود» (بیان و معانی، شمیسا: ص ۴۲). استفاده از صنعت استخدام به گونه‌هایی متمایز شده است که بتوانیم استفاده از این ویژگی را در شعر او از ویژگیهای سبکی خاقانی بحساب بیاوریم. اکنون تقسیم‌بندیهایی در رابطه با این صنعت برای نشان دادن تفاوت‌های میان خاقانی و شاعران دیگر در بکارگیری آن می‌آوریم.^۱

دو معنی واژه استخدامی، حقیقی است

خاقانی، در این نوع استخدام، تصاویر زیبایی خلق میکند که تقریباً اکثر آنها دارای تصاویر مرتبط با بروج فلکی است که در ابیات زیر دیده میشود.

یوسف رسته ز دلو، ماند چو یونس به حوت صبحدم از هیبتش حوت بیفکند ناب
(شرح دیوان خالقی، برزگر خالقی: ج ۱: ص ۲۵۶)

حوت به معنی یکی از بروج فلکی با یوسف که استعاره از خورشید است متناسب است و حوت به معنی ماهی با یونس تناسب دارد.

فلک طفل خوئی است کاندرا ترازو ز خورشید نارنج گیلان نماید
(همان، ص ۵۴۹)

ترازو به معنی یکی از بروج فلکی با کلمه خورشید و به معنی شیء، ترازو که وسیله اندازه‌گیری وزن است با کلمه نارنج در تناسب است. چنانچه ذکر شده اکثریت تصاویر صنعت استخدام که هر دو معنی ایهامی کلمه حقیقی است مربوط به تصاویر بروج فلکی است و چند مورد باقی‌مانده در ابیات از این نوع، مربوط به استخدام ایهام آوایی کلمات است.

^۱ - این تقسیم‌بندیها برای نخستین بار در مقاله بررسی وجه شبه در غزلیات شمس ذکر شده است و ما در این پژوهش با حفظ اصالت علمی و اصول امانت‌داری به آن استناد کرده‌ایم (نک: پورنامداریان و ماحوزی، ۱۳۸۷).

استفاده از ایهام آوایی کلمات

خاقانی در ابیات زیر از ایهام آوایی کلمات در ساختن صنعت استفاده بهره میگیرد و تصاویری بدیع خلق میکند. او از صدای حیواناتی مثل گوزن و سگ در ایجاد این تصاویر بهره گرفته است.

شیر مردان چون گوزنان هوی هوی اندر دهان از هوالله بر خدنگ آه پیکان دیده‌اند
(همان، ج ۱: ص ۴۰۷)

در بیت هوهو به معنی خدا خدا گفتن با حاجیان و به معنی هوهوی گوزن (صدای گوزن) با حیوان گوزن در تناسب است.

سگی کردن کنون العفو می‌گو، گر پشیمانی که سگ هم عفو میگوید، مگر دل شد پشیمانش
(همان: ص ۹۱۲)

العفو بعنوان کلمه‌ای که هنگام پشیمانی به درگاه حق تعالی گفته میشود با انسان در تناسب و العفو به معنی عوعو کردن سگ (صدای سگ) با حیوان سگ در تناسب است.

از دو معنی واژه استفاده‌ای، یکی مجازی است

در این نوع استخدام، وجه شبه با معنای کنایی خود با یک رکن و با معنای حقیقی خود با رکن دیگر تناسب پیدا میکند.

در این مقام کسی کاو چو مار شد دو زبان چو ماهی است بریده‌زبان در آن مأوا
(همانجا)

در بیت، دو زبان بودن برای مشبه کنایی است.

چو خاتم به دروغی به دست چپ مفکن که دستمال توام، پایبند مال و نصاب
(همان: ص ۲۷۴)

به دست چپ افکندن برای مشبه که شاعر است صورتی کنایی دارد. این صنعت در شعر شاعران پیشین نیز دیده میشود و در دیوان خاقانی فراوانی دارد.

وجه شبه با معنی حقیقی خود با یک رکن و با معنی استعاری خود با رکن دیگر تشبیه رابطه برقرار میکند. این وجه شبه‌ها فراوانی زیادی در تشبیهات دیوان خاقانی دارند:

چرخ گویی دکان قصابی است کز سحر تیغ خون‌فشان برخاست
(همان: ص ۳۱۸)

صبح‌وارم کافتابی در نهان آورده‌ام آفتابم کز دم عیسی نشان آورده‌ام
(همان، ج ۱: ص ۱۱۰۹)

دست چون جوزاش داری گنج زر چون آفتاب گنج زر دادن به یغما برنتابد بیش از این
(همان، ج ۳: ص ۱۵۰۴)

وجه شبه‌هایی که شامل تصاویر تیغ، آفتاب و زر است در معنای حقیقی خود با یک سوی تشبیه (مشبه یا مشبه-به) در ارتباط است و با معنای استعاری خود با سوی دیگر. میتوان این نوع تشبیهات را نیز نوعی صنعت استخدام نامید این تشبیهات در سطر C و ستون Y جدول قرار میگیرند.

از دو معنی واژه‌استخدامی، هر دو مجازی است

صبحدم چون کله بندد آه دودآسای من
چون شفق در خون نشیند چشم شب‌پیمای من
(همانجا)

پشت بر دیوار زندان روی در بام فلک
چون فلک شد پرشکوفه نرگس بینای من
(همان، ج ۳: ص ۱۴۲۱)

در نمونه‌های بالا در خون نشستن برای شفق و چشم و پرشکوفه شدن برای ملک و چشم هر دو معنای مجازی دارد؛ شکوفه در رابطه با چشم به معنای اشک و شکوفه در رابطه با فلک به معنی ستاره است (تشبیه در خانه ۱۱ قرار میگیرد).

استخدام و شکل پیچیده آن

تشبیهاتی که در آن‌ها وجه شبه میتواند با هر دو معنای حقیقی و مجازی تعبیر شود، شکل پیچیده صنعت استخدام را دارا است. این تشبیهات در میان اشعار خاقانی بسیار نادر است:

تو را به حقه و مهره فریفتند ایراک
چو حقه بی‌دل و مغزی چو مهره بی‌سروپا
(همان: ج ۱: ص ۶۶)

در این تصویر مخاطب خاقانی که انسان عامه است، بی‌سروپا تصور شده است که به معنی لایبالی و بد است و مهره بی‌سروپا تصور شده است که به معنی گرد بودن مهره و نداشتن پایه برای ایستادن و قرار گرفتن است، اما میتوان اینگونه نیز تصور کرد که خاقانی صفات بی‌سروپا را برای مهره و بی‌دل و مغز را برای حقه هم اراده کرده باشد که به مهره و حقه شخصیت میبخشد و این به آن دلیل است که حقه و مهره که باعث فریب خوردن انسان میشود، نگاه غضب‌آلود شاعر را به خود جلب کرده باشد.

وجه شبه استخدامی هر دو عرصه حقیقت و مجاز را نشان میدهد و درحقیقت کلمه با هر دو معنی ادبی و استعاری خود قابل درک است و این باعث برجستگی تصویرسازی او میشود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با روش جدید جدول‌بندی گوتلی چگونگی رابطه میان وجه شبه و «مشبه» و «مشبه‌به» را در دیوان خاقانی مورد بررسی قرار داده‌ایم. زیرا با وجود اهمیت ویژه وجه شبه در بحث تشبیه و با توجه به اینکه وجه شبه میتواند تعیین‌کننده میزان نوآوری یا تقلید شاعر و میزان تخیل و جهان ذهنی او باشد، در بلاغت سنتی از نحوه ارتباط میان وجه شبه با دو رکن تشبیه سخنی بمیان نیامده است. با این بررسی به سبک تصویرسازی شاعر و اینکه از چه صورت خیالی در رابطه با «مشبه» و «مشبه‌به» بهره گرفته است پرداخته‌ایم. اغلب تشبیهات خاقانی خیالی است، اگرچه وجه شبه‌های خاقانی در بعضی ابیات برای هر دو رکن «مشبه» و «مشبه‌به» خیال‌آفرین است اما این ابیات فراوانی چندانی ندارند و جزو ویژگیهای سبکی خاقانی محسوب نمیشود؛ درعوض وجه شبه‌هایی که برای یکی از ارکان خیالی و برای رکن دیگر حقیقی یا موردانتظار باشد، بعلت اینکه اکثریت تشبیهات را به خود اختصاص داده است، جزو ویژگی سبکی خاقانی محسوب میشود.

وجه شبه‌های خاقانی در بسیاری موارد، وجه شبه‌های فعلی است که به «مشبه» یا «مشبه‌به» شخصیت میبخشد و یا آنکه در رابطه با مشبه تفسیر رمزی پیدا میکند. در شعر خاقانی بندرت به ابیاتی برمیکوریم که در صورت شخصیت‌بخشی و تأویل رمزی نیز نتوان وجه شبه را یافت. درمورد رابطه وجه شبه با «مشبه» و «مشبه‌به» در تشبیهات معقول به محسوس هنگامی که «مشبه‌به» محسوس و «مشبه» معقول است، بیشتر با شخصیت‌بخشی به امر معقول مواجهیم و در این موارد مشبه‌به کمتر بصورت تشخیص یا استعاری ظاهر میشود.

درمورد رابطه وجه شبه با «مشبه» و «مشبه‌به» در تشبیهات محسوس به محسوس هنگامی که وجه شبه با «مشبه» رابطه ضروری دارد و با «مشبه‌به» رابطه خیالی از طریق شخصیت‌بخشی ایجاد میکند، در این گروه تشبیهات گاهی وجه شبه از «مشبه» اخذ میشود و شاعر حس درونی خود را به محیط بیرون میبخشد در واقع آنچه به مشبه‌به شخصیت میدهد، در مواردی حالت «مشبه» را نمایش میدهد، نه عمل طبیعی «مشبه‌به» را و این باعث برتری تصویرسازی میگردد.

درمورد رابطه وجه شبه با «مشبه» و «مشبه‌به» در تشبیهات محسوس به معقول میتوان گفت که در این تشبیهات در بیشتر موارد به امر انتزاعی تجسم بخشیده میشود. در این گروه شاعر خود یا ممدوح را به امر انتزاعی تشبیه میکند.

خاقانی از صنعت استخدام به شیوه متفاوت بهره‌گیری کرده و توجه بیشتری به معانی مجازی کلمات داشته است بگونه‌ای که میتوانیم استفاده از این ویژگی را از ویژگیهای سبکی خاقانی بشمار آوریم.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال تهران استخراج شده است. سرکار خانم دکتر هنگامه عاشوری راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم مرضیه رحمانی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر ثریا رازقی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال تهران و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش

تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Abu Adib, Kamal. (2005). Research in the Images of Jorjani Imagination, Translated by Farzan Sojudi and Farhan Sasani, Tehran: Center for Art Studies and Research, p. 138.
- Barzegar Khaleghi, Mohammad Reza. (2008). Description of Divan Khaghani, Tehran: Zavvar.
- Brook rose, christinne. (1965). Grammar of metaphor, secker and walburg.
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1998). Dictionary, under the supervision of Mohammad Moein and Seyed Jafar Shahidi, Tehran: University of Tehran.
- Goatly, Andrew. (1998). The language of metaphor, Routledge, London. <https://scholars.ln.edu.hk/en/persons/andrew-peter-goatly>.
- Jorjani, Abdul Qahir. (1982). Asrar al-Balaghah, Translated by Jalil Tajlil, Tehran: University of Tehran.
- Pournamdarian, Taghi and Mahozi, Amir Hossein. (2008). Investigation of pseudo-face in Shams, Tehran: University of Tehran.
- Shamisa, Sirus. (2011). Explanations and meanings, Vol. 3, Tehran: Mitra, p. 42.
- Taftazani, Massoud. (1407 AH). Al-Motaval, Explanation of Mirsaid Sharif, Qom: Al-Dawari School, p. 148.

فهرست منابع

- اسرارالبلاغه، جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۶۱) ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران.
- المطول، تفتازانی، مسعود (۱۴۰۷ ق) شرح میرسید شریف، قم: مکتبه الداوری.
- بررسی وجه شبه در کلیات شمس، پورنمداریان، تقی و ماحوزی، امیرحسین (۱۳۸۷) تهران: دانشگاه تهران.
- بیان و معانی شمیسا، سیروس (۱۳۹۰) ج ۳، تهران: میترا.
- تحقیق در صور خیال جرجانی، ابوادیب، کمال (۱۳۸۴) ترجمه فرزانه سجودی و فرهان ساسانی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات هنری.
- شرح دیوان خاقانی، برزگر خالقی، محمدرضا (۱۳۸۷) تهران: زوار.
- لغتنامه، دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.

Brook rose, christinne. (1965). Grammar of metaphor, secker and walburg.
Goatly, Andrew. (1998). The language of metaphor, Routledge, London.
<https://scholars.ln.edu.hk/en/.persons/andrew-peter-goatly>.

معرفی نویسندگان

مرضیه رحمانی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: m.rahmani@iau-tnb.ac.ir)
هنگامه آشوری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: h_ashouri@iau-tnb.ac.ir) (نویسنده مسئول)
ثریا رازقی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: s_razeghi@iau-tnb.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Marzieh Rahmani: PhD student in Persian Language and Literature, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: m.rahmani@iau-tnb.ac.ir)
Hengameh Ashouri: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: h_ashouri@iau-tnb.ac.ir) Responsible author
Soraya Razeghi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: s_razeghi@iau-tnb.ac.ir)